


GES	Journal of Geography and Environmental Studies, 11 (43), Autumn 2022 https://ges.iaun.ac.ir ISSN: 2008-7845  20.1001.1.20087845.1401.11.43.5.6
-----	---

Research Article

Investigating the Role of Religious Centers in Reducing the Social Isolation of Urban Neighborhoods with a Social Capital Approach, a Case Study: (Tajrish Neighborhood and Shah Abdolazim Neighborhood of Tehran)

Ghahremani, Mohammad Ali

Master Student of Urban Planning, Department of Urban Planning, Faculty of Engineering, Pardis Branch, Islamic Azad University, Pardis, Iran.

Amini, Elham (Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Engineering, Pardis Branch, Islamic Azad University, Pardis, Iran
dr.elham_amini@yahoo.com

Abstract

The pattern of physical construction can be considered the simplest way to achieve the formation of social solidarity and reduce social isolation, some of which are due to the role of religious centers in the neighborhood; It revives the spirit of the neighborhood, and without a doubt, its quantity and quality will depend on the health of the neighborhood. The purpose of this study was to investigate and identify indicators of the role of religious centers in reducing social isolation in Tajrish and Shah Abdolazim neighborhoods of Tehran with a social capital approach that can reduce social isolation in these neighborhoods. In this research, a survey method has been used. Data were used as a questionnaire and organized interviews among citizens of Tajrish neighborhood in District 1 and Shah Abdolazim neighborhood in District 20 of Tehran. SPSS and lisrel 8.8 software were used to analyze the data. The role of religious centers in reducing the social isolation of urban neighborhoods with the approach of social capital, through criteria (structural, communication, cognitive) were examined. By analyzing the data of the questionnaire using confirmatory factor analysis, it was found that the sub-criteria and research questions fully represent the components of the research. Based on Pearson test; The communication component has the highest effect on reducing the social isolation of Tajrish and Shah Abdolazim neighborhoods. The conceptual model of the research was developed using the LISREL model and its fit was confirmed. Research components are also based on average rankings.

Keywords: Religious centers, social isolation, social capital, Tajrish, Shah Abdolazim, Tehran.

Citation: Ghahremani, M.A.; Amini, E. (2022) Investigating the Role of Religious Centers in Reducing the Social Isolation of Urban Neighborhoods with a Social Capital Approach, a Case Study: (Tajrish Neighborhood and Shah Abdolazim Neighborhood of Tehran), Journal of Geography and Environmental Studies, 11 (43), 74-93. Dor: 20.1001.1.20087845.1401.11.43.5.6

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقاله پژوهشی

بررسی نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی، نمونه موردی: (محله تجریش و محله شاه عبدالعظیم تهران)^۱

محمدعلی قهرمانی

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه برنامه ریزی شهری، دانشکده مهندسی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران

الهام امینی*

استادیار، گروه برنامه ریزی شهری، دانشکده مهندسی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران

چکیده

الگوی ساخت کالبدی را می‌توان ساده‌ترین راه در راستای دستیابی به شکل‌گیری همبستگی اجتماعی و کاهش انزوای اجتماعی دانست. بی‌تردید کیفیت کالبدی شهر در میزان و چگونگی برقراری روابط اثرگذار خواهد بود؛ به عبارت دیگر، روابط اجتماعی موجود در شهر که مقداری از آن‌ها ناشی از نقش مراکز مذهبی موجود در محله است؛ روح محله را زنده می‌سازد و بدون شک، کمیت و کیفیت آن، در گرو سلامت کالبد محله خواهد بود. هدف این تحقیق بررسی و شناسایی شاخص‌های نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های تجریش در منطقه ۱ و شاه عبدالعظیم در منطقه ۲۰ تهران با رویکرد سرمایه اجتماعی که می‌تواند با کاهش انزوای اجتماعی این محله با رویکرد سرمایه اجتماعی منجر شود. در این پژوهش از روش پیمایشی استفاده شده است. داده‌ها به صورت پرسشنامه و مصاحبه سازمان‌یافته در میان شهروندان محله تجریش در منطقه ۱ و محله شاه عبدالعظیم در منطقه ۲۰ تهران برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و lisrel8.8 و Excel استفاده شد. بررسی نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی، از طریق معیارهای؛ (ساختاری، ارتباطی، شناختی) بررسی شدند. از طریق تجزیه و تحلیل داده‌های پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مشخص شد که زیرمعیارها و سؤالات تحقیق به طور کامل معرف مؤلفه‌های ۳ گانه ب نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی، نمونه موردی: (محله تجریش در منطقه ۱ و محله شاه عبدالعظیم در منطقه ۲۰ تهران) هستند. بر اساس آزمون پیرسون؛ مؤلفه‌ی ارتباطی بالاترین تأثیر را بر روی کاهش انزوای اجتماعی محله‌های تجریش و شاه عبدالعظیم می‌گذارد ($\beta=0.779$) ($\beta=0.698$) دارد. بیشترین تأثیر و ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های ۱۱ گانه نقش مراکز مذهبی بر کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری به ترتیب زیر است: مشارکت، حضور پذیری، هویت، اعتماد، صداقت، دین‌داری، روایات مشترک، ترکیب روابط، همگونی اجتماعی، نهادی، الزامات و انتظارات. مدل مفهومی تحقیق با استفاده از مدل لیزرل تدوین و برازش آن از طریق ضرایب تی استاندارد شده بر روی نشانگرهای مدل (که بزرگ‌تر از قدر مطلق ۱،۹۶) تأیید گردید. مؤلفه‌های تحقیق نیز بر اساس میانگین رتبه‌ای آزمون فریدمن اولویت‌بندی شدند که عبارت‌اند از؛ بعد ارتباطی (۱،۱۷)، بعد ساختاری (۲،۸۷)، بعد شناختی (۳،۱۶). نتایج نهایی حاصل از بررسی شاخص کل نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی، میانگین محله‌ی تجریش ۲،۹۵ محله‌ی شاه عبدالعظیم ۲،۸۲ می‌باشد. هر دو محله از نظر نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی در وضعیت نزدیک به میانه نظری می‌باشد و تأثیرگذاری مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی این دو محله مشهود است. در پایان پس از تدوین مدل مفهومی و ارائه پیشنهاداتی جهت کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی با استفاده از نقش مراکز مذهبی، در محله‌های تجریش و شاه عبدالعظیم ارائه شد.

کلمات کلیدی: مراکز مذهبی، سرمایه اجتماعی، انزوای اجتماعی، تجریش، محله شاه عبدالعظیم، تهران

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۱۰/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵

نویسنده مسئول: الهام امینی، استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، dr.elham_amini@yahoo.com

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی، نمونه موردی: (محله تجریش در منطقه ۱ و محله شاه عبدالعظیم در منطقه ۲۰ تهران)» در سال ۱۴۰۰ رشته برنامه‌ریزی شهری دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پردیس

الگوی ساخت کالبدی را می‌توان ساده‌ترین راه در راستای دستیابی به شکل‌گیری همبستگی اجتماعی و کاهش انزوای اجتماعی دانست. بی‌تردید کیفیت کالبدی شهر در میزان و چگونگی برقراری روابط اثرگذار خواهد بود؛ به عبارت دیگر، روابط اجتماعی موجود در شهر، روح محله را زنده می‌سازد و بدون شک، کمیت و کیفیت آن، در گرو سلامت کالبد محله خواهد بود. تعاملات اجتماعی موجود در محله‌ها در مقایسه با سایر شبکه‌های اجتماعی، مؤثرترین عاملی است که در نتیجه‌ی آن، همبستگی اجتماعی حاصل می‌شود. عاملی که در سطح محله‌ها به ایجاد همبستگی اجتماعی کمک می‌کند، کیفیت ساختار کالبدی این مکان‌ها است که حضور پذیری ساکنان و به تبع آن شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را به دنبال دارد.

با آن‌که تمامی برنامه‌ریزان و محققان علوم اجتماعی، اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی، روانشناسی و... همگی بر ایجاد و حفظ سرمایه‌ی اجتماعی و همبستگی اجتماعی توافق نظر دارند، اما هنوز در رابطه با نحوه‌ی تحقق و شکل‌گیری آن‌ها پیچیدگی‌های زیادی وجود دارد (خورشیدی، ۱۳۹۵: ۳). در شهرهای سنتی ایران نیز به دلیل وجود ویژگی‌های کالبدی خاص آن زمان، وجود همبستگی اجتماعی میان ساکنان، نوعی حس تعلق خاطر و هویت را برای اهالی هر محله به همراه داشت که خود دلیل ایجاد سرمایه‌ی اجتماعی موجود در این محله‌ها بوده است (احمدی، ۱۳۹۰: ۱۲-۸). ارتباط میان ساخت کالبدی محله همبستگی اجتماعی موجب گردیده تا از دهه ۸۰ میلادی به بعد، الگوی محله‌های شهری، تحت عناوینی چون دهکده‌های شهری، نوشهر گرایی، توسعه‌ی حمل و نقل محور، توسعه واحدهای برنامه‌ریزی شده و غیره مطرح گردند (اردشیری و معماریان، ۱۳۸۹: ۲۳۰-۲۱۸)، وجود اعتماد، همبستگی و تعاون و همکاری در اداره‌ی امور محله از جمله نشانه‌های وجود این ویژگی است. در حقیقت، رشد کالبدی محله‌ها در گذشته، ضمن حفظ ارزش‌های محیط اجتماعی خود، پاسخ‌گوی نیازهای ساکنان خود نیز بودند. با گذر زمان، ایجاد گسست در سازمان فضایی محله‌ها و به تبع آن از میان رفتن اعتبار و هویت کالبدی، در نهایت از بین رفتن سازمان اجتماعی موجود در محله‌های شهری را به دنبال داشته است (فاضلی و اشتیاقی، ۱۳۹۱، ۷-۳). هدف همه‌ی این الگوها، دستیابی مجدد به ایجاد اجتماعات منسجم محلی و بازیابی همبستگی اجتماعی از دست‌رفته و رهایی از انزوای اجتماعی در سلول‌های خرد شهری بود به گونه‌ای که راه را برای حل مسائل شهری هموار سازد. این تلاش‌ها تا آنجا ادامه داشته است که در نوشهر گرایی، با تأکید بر تأثیر مطلوبیت کیفیت‌های محیطی بر افزایش تمایل به پیاده‌روی در محله و در نتیجه افزایش میزان ارتباطات چهره به چهره، انتظار می‌رود که همبستگی اجتماعی تقویت گردد (اصغر زاده یزدی، ۱۳۸۹: ۵۸-۵۵). شایان‌ذکر است که شکل‌گیری همبستگی اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی به قدری به یکدیگر وابسته‌اند که برخی، یکی را به جای دیگری به کار می‌برند (میرزایی و قمشه، ۱۳۹۶: ۸-۳).

به دنبال این مسئله، کاهش کمی و کیفی تعاملات اجتماعی اتفاق افتاد و این در حالی است که در مباحث نظری، میزان و نحوه تعاملات اجتماعی میان ساکنان، وجود یا عدم وجود همبستگی اجتماعی را رقم می‌زند. نبود فضاها‌ی جمعی متناسب با نیاز امروز ساکنان، کاهش تعاملات اجتماعی و ارتباطات چهره به چهره را در میان آن‌ها به دنبال داشت تا آنجا که ساکنان را نسبت به یکدیگر بیگانه ساخت (نو داد، ۱۳۹۳: ۷-۳)؛ این در شرایطی است که تجربه نشان می‌دهد که بهبود کیفیت محیطی و فضای کالبدی محله، به گونه‌ای که شرایط را برای افزایش تعاملات اجتماعی در آن فراهم آورد، می‌تواند رنگ تعلق، حس هویت، حس اعتماد و در نتیجه‌ی آن، همبستگی اجتماعی را در میان ساکنان تقویت کند (قنیران و جعفری، ۱۳۹۳: ۴-۱). همبستگی اجتماعی یک شرط لازم برای شکل‌گیری توسعه‌ی پایدار محله‌ای است (احد نژاد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲-۱)؛ چرا که روابط و انسجام درون‌شبکه‌ای را بهبود بخشیده، بدین ترتیب، دسترسی به منابع بیرونی نیز بهبود می‌یابد (TDM Encyclopedia, 2012; 10-14). از سوی دیگر، برخی معتقدند اهمیت همبستگی اجتماعی در شکل‌گیری محله‌های پایدار، از آن جهت مورد توجه است که خود کفای اقتصادی را

به دنبال دارد (پیر اهری، ۱۳۸۸: ۱۳۱). در این میان، توجه به اصول روان‌شناسانه‌ی وجود همبستگی اجتماعی در محله از نظر پنهان نیست؛ وجود حس هویت، احساس امنیت و روابط متکی بر اعتماد متقابل میان ساکنان، همگی اهمیت وجود همبستگی در محله را نشان می‌دهند (اتابکی، ۱۳۹۵: ۲۲). در این میان، آنچه از مطالعات انجام‌شده برمی‌آید، نشانگر آن است که همبستگی اجتماعی را می‌توان متأثر از ویژگی‌های فیزیکی محله از یک سو و ویژگی‌های اجتماعی آن از سوی دیگر و همچنین تأثیر متقابل این دو بر یکدیگر دانست (حقیقتیان، ۱۳۹۴، ۷-۴).

محله تجریش از محلات قدیمی تهران هست، حضور امامزاده صالح و بازار بزرگ تجریش نیز از جمله اماکنی است که این محله را به یکی از محلات پر رفت‌وآمد تبدیل کرده است.

حرم شاه‌عبدالعظیمی و بازارچه‌ی قدیم و جدید شهرری که در مرکز این محدوده قرار دارند باعث شده که از گذشته تا حال، هرروزه گردشگران زیادی به این نقطه از شهر برای زیارت و خرید مراجعه کنند و این محدوده همیشه شلوغ و پر از جریان زندگی باشد. وجه مشترک دو محدوده منتخب برای مطالعه وجود مراکز مذهبی؛ امامزاده صالح در تجریش و حرم شاه‌عبدالعظیم در محله شاه‌عبدالعظیم است. وجود این مراکز مذهبی در دو محله نامبرده در شمال و جنوب تهران سبب ایجاد رفت‌وآمد و نوعی همبستگی اجتماعی در این دو محله گردیده است و به نوعی از عناصر اصلی و معرف این محلات به شمار می‌روند. حال این تحقیق در نظر دارد تا نقش این مراکز مذهبی را در ایجاد همبستگی اجتماعی و یا کاهش انزوای اجتماعی با رویکرد سرمایه اجتماعی بررسی کند.

بنابراین با توجه به مسائل و مشکلات یادشده در این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این ۲ سؤال هستیم؛

مراکز مذهبی محلات تجریش و شاه‌عبدالعظیم، از جنبه سرمایه اجتماعی چه نقشی در کاهش انزوای اجتماعی آن‌ها دارد؟

چه رابطه‌ای بین مراکز مذهبی محله‌های شهری و کاهش انزوای اجتماعی آن‌ها با رویکرد سرمایه اجتماعی وجود دارد؟

پیشینه و مبانی نظری

شکور و همکاران در سال ۱۳۹۷ در مقاله‌ای با عنوان "نقش ساختار کالبدی شهرها بر شکل‌گیری همبستگی اجتماعی در محلات شهری، (نمونه موردی: محله‌ی قصر دشت شیراز)" این‌طور بیان می‌کند؛ الگوی ساخت کالبدی را می‌توان ساده‌ترین راه در راستای دست‌یابی به شکل‌گیری همبستگی اجتماعی دانست. بی‌تردید کیفیت کالبدی شهر در میزان و چگونگی برقراری روابط اثرگذار خواهد بود؛ به عبارت دیگر، روابط اجتماعی موجود در شهر، روح محله را زنده می‌سازد و بدون شک، کمیت و کیفیت آن، در گرو سلامت کالبد محله خواهد بود. تعاملات اجتماعی موجود در محله‌ها در مقایسه با سایر شبکه‌های اجتماعی، مؤثرترین عاملی است که در نتیجه‌ی آن، همبستگی اجتماعی حاصل می‌شود. عاملی که در سطح محله‌ها به ایجاد همبستگی اجتماعی کمک می‌کند، کیفیت ساختار کالبدی این مکان‌ها است که حضور‌پذیری ساکنان و به تبع آن شکل‌گیری تعاملات اجتماعی را به دنبال دارد. در این راستا، هدف اصلی پژوهش، نقش ساختار کالبدی بر شکل‌گیری همبستگی اجتماعی محله‌ای قصر دشت شهر شیراز در نظر گرفته شده است. روش مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و از نوع کاربردی است که در محلی قصر دشت شیراز با جمعیت ۷۳۰۲ نفر و نمونه‌ی قابل تعمیم ۳۶۵ نفر مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و از طریق ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که تأثیر مؤلفه‌های همبستگی اجتماعی و رابطه‌ی آن‌ها با ساختار کالبدی معنادار است. همچنین از میان ۴ مؤلفه‌ای همبستگی اجتماعی، وحدت اجتماعی، مشارکت و احساس تعلق، وحدت اجتماعی، بیشترین تأثیر و احساس تعلق، کمترین تأثیر را بر همبستگی اجتماعی دارند.

بنا بر آنچه گفته شد، در محله‌هایی که مناسبات اجتماعی در طول سالیان به واسطه‌ی روابط چهره به چهره میان ساکنان شکل گرفته است، درجه بالاتری از اعتماد، امنیت، کنش متقابل، همبستگی و انسجام اجتماعی وجود دارد.

شکیبایی بیرونی و طبیعی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان "سنجش تطبیقی اثرات فرم کالبدی محله‌های شهری بر سرمایه اجتماعی میان ساکنین، مورد مطالعاتی: شهر قزوین" این گونه بیان می‌کند که شهر از دیرباز پویایی اجتماعی خود را در گرو فضاها و مکان‌های خود، یافته است. از یک سو تعاملات و روابط انسانی در کالبد شهر شکل گرفته و از سوی دیگر کالبد، هویت خود را از حیات اجتماعی موجود بازمی‌یابد. به میزانی که یک شهر بتواند با شهروندان خود از طریق ویژگی‌های کالبدی ارتباط ایجاد کند؛ در هویت اجتماعی آنان تأثیر گذار خواهد بود. از این رو فرم شهر می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر رفتار و سرمایه اجتماعی میان انسان‌ها داشته باشد. به فراخور ابعاد مختلف فرم کالبدی محله‌های شهر، سطح تأثیرپذیری و گونه ارتباط انسان با آن‌ها متفاوت بوده و در نتیجه میزان، شدت و نوع تعاملات جاری در فضاهای مختلف یکسان نخواهد بود. شهر قزوین با قدمتی طولانی و تحولات گوناگون بستر شکل‌گیری محله‌های متفاوت بوده است. به نظر می‌رسد تمایزات میان ساختار کالبدی این محله‌ها منجر به تغییر در ظرفیت‌های اجتماعی موجود شده باشد. در پژوهش حاضر سعی شده ضمن مطالعه ادبیات مرتبط با سرمایه اجتماعی و بررسی فرم شهری، ارتباط معنایی این دو مفهوم در قالب چارچوب تئوریک تحقیق تدوین شود؛ سپس بر مبنای شاخص‌های استخراج‌شده از ادبیات تحقیق، میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های فرم شهری بر سرمایه اجتماعی موجود در محله‌های مختلف شهر قزوین مورد ارزیابی قرار گیرد. نتایج تحقیق بیانگر آن است که بیشترین حد سرمایه اجتماعی در میان محله‌های با ویژگی‌های همساز با ماهیت بافت نیمه ارگانیک شکل گرفته است. همچنین در حالی که میان شاخص‌های کالبدی و سرمایه اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد ولی ضریب و شدت تأثیر این عوامل یکسان نیست. به طوری که عواملی که ارتباط مستقیمی را بانفوذ پذیری و کاربری‌ها دارند اهمیت بیشتری را در شکل‌دهی به سرمایه اجتماعی در این محله‌ها دارند.

مهری و داود پور در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای با عنوان "بهره‌گیری از نظریه چیدمان فضا در کاهش انزوای اجتماعی - فضایی محله‌های شهری" این گونه عنوان می‌کند که توزیع نابرابر منابع و موقعیت‌های اجتماعی اقتصادی در فضاهای شهری، ارتباط بین گروه‌های اجتماعی مختلف را کاهش داده، با تأثیرگذاری بر فرصت مشارکت در زندگی شهری، انزوای اجتماعی فضایی را منجر می‌شود. اگرچه در زمینه تأثیر شکل شهری بر انزوای اجتماعی، پژوهش‌هایی صورت گرفته است، دانش کمی درباره تأثیر پیکربندی فضایی شهر بر ظهور شبکه‌های اجتماعی مختلف وجود دارد که به واسطه تأثیرگذاری بر حرکت، بر انزوای اجتماعی فضایی نیز مؤثرند. این مقاله با تأکید بر امکان حضور افراد در فضاها و مکان‌های عمومی در مراکز محله‌ای دوازده محله از شهر زنجان، به بررسی اهمیت چیدمان فضایی در فرایند تعاملات اجتماعی پرداخته است تا نحوه تأثیر پیکربندی فضایی شهر را بر فرصت مشارکت در زندگی شهری بررسی کند. از سوی دیگر، در پی بررسی جایگاه طراحی شهری در تسهیل دسترسی به منابع و ظهور شبکه‌های اجتماعی به منظور کاهش تأثیرات منفی انزواست. نوع پژوهش، کاربردی و روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات به روش میدانی و کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. تحلیل‌های پیوستگی فضایی به وسیله ابزار Space Syntax و نرم‌افزار UCL Depthmap و تحلیل اجتماعی با نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهند که چگونگی روابط فضایی فضاها و مکان‌های عمومی در سطح محلی و فرامحلی و قابلیت دسترسی متأثر از آن، نتایج اجتماعی مهمی در پی دارد. در صورتی که پیکربندی فضایی شهر، پیوستگی محله‌ها را در مقیاس‌های مختلف تأمین کند، توزیع عادلانه منابع و فرصت‌های کار، زندگی و فعالیت، از انزوای اجتماعی فضایی می‌کاهد و منجر به افزایش همبستگی اجتماعی در سطح محله‌های شهری و شهر می‌شود.

فوکویاما (۱۳۷۹) در میان عناصری که در جامعه، اعتماد اجتماعی را به وجود می‌آورند و یا آن را تقویت می‌کنند، نقش دین و مذهب حائز اهمیت است. به اعتقاد و بر «مذهب می‌تواند شبکه اعتمادی در بین افراد ایجاد کند که برای روابط تجاری و مبادله اقتصادی نیز ضروری باشد»

گیدنز (۱۳۸۰) در این خصوص که باور داشت‌های مذهبی چگونه زمینه اعتماد را فراهم می‌کنند، می‌نویسد: باور داشت‌های مذهبی مهم‌ترین کارشان این است که معمولاً به تجربه رویدادها و موقعیت‌ها، اعتماد تزریق می‌کنند و چارچوبی را فراهم می‌سازند که در آن، این رویدادها و موقعیت‌ها را می‌توان تبیین کرد و در برابر آن‌ها واکنش نشان داد.

سرمایه اجتماعی

مفهومی در جامعه‌شناسی است که در تجارت، اقتصاد، علوم انسانی و بهداشت عمومی جهت اشاره به ارتباطات درون و مابین گروهی از آن استفاده می‌شود. اگرچه تعاریف مختلفی برای این مفهوم وجود دارد، اما در کل سرمایه اجتماعی به‌عنوان نوعی «علاج همه مشکلات» جامعه مدرن تلقی شده است. ایده اصلی این است که «شبکه‌های اجتماعی دارای ارزش هستند. همان‌طور که پیچ‌گوشی (سرمایه فیزیکی) یا تحصیلات دانشگاهی (سرمایه انسانی) هم به صورت فردی و هم در شکل جمعی می‌توانند موجب افزایش بهره‌وری شوند، ارتباطات اجتماعی هم بر بهره‌وری افراد و گروه‌ها تأثیر می‌گذارند.

واژه سرمایه اجتماعی را اولین بار هانیفن (۱۹۱۹) به معنای دارایی‌های روزمره در قالب وجود حسن تفاهم، دوستی و رفاقت، همدلی و روابط اجتماعی در بین افراد و خانواده‌ها مطرح نمود. سرمایه اجتماعی به بیان ساده، محصول آشنایی انسان‌ها با یکدیگر است و از خاستگاهی چون آشنایی و اعتماد جان می‌گیرد و به نتایج مثبتی در زندگی افراد می‌انجامد (Seydaei et al., 2009). محققان حوزه‌های اجتماعی درباره این مفهوم نظریات متفاوتی را ارائه نموده‌اند. کلمن معتقد است، «سرمایه اجتماعی انواع چیزهای گوناگون است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی را شامل می‌شوند و واکنش‌های معین افرادی را که در درون ساختارند، تسهیل می‌کنند (Majedi & Lalsayizadeh, 2006: 95). فوکویاما سرمایه اجتماعی را مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی می‌داند که موجب ارتقاء سطح همکاری اعضای جامعه و پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود (Fukuyama 2006). پاتنام سرمایه اجتماعی را وجوه گوناگون سازم آن‌های اجتماعی نظیر اعتماد، هنجار و شبکه‌ها می‌داند که می‌توانند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگی، کارایی جامعه را بهتر کنند (Putnail, 2013).

جدول (۱): جمع‌بندی تئوری‌های سرمایه اجتماعی

تئوری	مفهوم
تئوری پیوندهای ضعیف کرانوتتر (۱۹۷۳)	مطابق این تئوری، هر چه شدت و استحکام روابط میان اعضای یک شبکه بیشتر باشد ارزش سرمایه اجتماعی کمتر و بالعکس هر چه شدت و استحکام این روابط ضعیف‌تر باشد، نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی بیشتر است.
تئوری شکاف ساختاری برت (۱۹۹۲)	مطابق تئوری شکاف ساختاری، اگر یک فرد در شبکه اجتماعی خود با همکارانی که باهم در ارتباط نیستند با حداقل ارتباط اندکی باهم دارند، ارتباط برقرار کند، نهایت استفاده را خواهد برد.
تئوری منابع اجتماعی لین و همکاران (۲۰۰۰)	از دیدگاه این تئوری، اعضاء موجود در شبکه دارای منابع باارزشی هستند که می‌تواند فرد را برای رسیدن به اهداف باری سازد.

همبستگی اجتماعی

همبستگی اجتماعی به معنایی که امروز به کار می‌رود، نخستین بار توسط امیل دورکیم وارد جامعه‌شناسی شد. وی از درون تقسیم‌کار در نظام اجتماعی، مفهوم همبستگی اجتماعی را به دست آورد. او در دو کتاب معروف خود به نام‌های تقسیم کار اجتماعی و خودکشی، در زمینه‌ی سرمایه اجتماعی سخن گفته است. اولین بار، ورود موضوع همبستگی اجتماعی به ادبیات مطالعات شهری در سال ۱۹۶۰ با کتاب جین جیکوبز به نام زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکایی صورت گرفت. جیکوبز، همبستگی اجتماعی را شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای می‌داند که در محدوده‌های قدیمی شهری در ارتباط با مسائلی که کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تصمیم‌گیری می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند. بدین ترتیب، مفهوم همبستگی اجتماعی از دهه ۱۹۶۰ میلادی به‌طور جدی وارد مباحث علوم اجتماعی و اقتصادی گردید. همبستگی اجتماعی دارای مؤلفه‌های متعددی است که مؤثرترین آن‌ها، وحدت اجتماعی، مشارکت و احساس تعلق هستند. هر یک از این مؤلفه‌ها به‌نوعی مؤثر بر روابط افراد یک محله هستند و عاملی بر ارتقاء تعاملات و روابط چهره به چهره می‌باشند. وحدت اجتماعی بدین معنا است که افراد با حفظ انسجام و یک‌دستگی، هم‌عقیدگی خود را حفظ کرده، با عناصر خود تطابق و هم‌نوایی داشته باشند. ساختار محله‌ی طراحی شده بر پایه‌ی وحدت اجتماعی مؤثرترین عامل بر همبستگی اجتماعی می‌باشد (خاکپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۰-۶۰).

انزوای اجتماعی

وضعیت عدم ارتباط کامل یا تقریباً کامل بین یک فرد و جامعه است. این وضعیت با تنهایی متفاوت است، که نشان‌دهنده عدم تماس موقت و غیرارادی با انسان‌های دیگر جهان است. انزوای اجتماعی ممکن است معضلی برای افراد در هر سنی باشد، هرچند احتمال این که علائم بر اساس گروه سنی متفاوت باشد وجود دارد. انزوای اجتماعی در هر دو مورد موقت و برای کسانی که چرخه ایزوله شدن مادام‌العمر دارند دارای ویژگی‌های مشابه است. انواع انزوای اجتماعی می‌تواند شامل ماندن در خانه برای مدت طولانی باشد، ارتباطی با خانواده، آشنایان یا دوستان نداشته باشد و / یا به‌طور عمدی از بروز هرگونه تماس با انسان‌های دیگر در هنگام بروز این فرصت‌ها جلوگیری شود (Khullar, 2017).

"دوایت دین" با الهام از دیدگاه دورکیم در مورد آنومی، انزوای اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: انزوای اجتماعی به معنای "احساس جدایی فرد از گروه یا انزوا از استانداردهای گروهی" است، به عبارتی تماس‌های عاطفی بین فرد و گروه‌های مهم و حامی از بین می‌رود (Dean, 1961: 755).

به‌طور کلی، انزوای اجتماعی به معنی کمبود در کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است (Delisle, 1988). به‌عبارت‌دیگر، وضعیت انزوای اجتماعی شامل تعاملات اجتماعی کم و فرار از نقش‌های اجتماعی، همچنین فقدان روابط متقابل ارزشمند با افراد دیگر است.

انزوای اجتماعی دو وجه عمده دارد: وجه تعاملی و عاطفی. لذا گفته می‌شود انزوای اجتماعی ترکیبی از تعاملات اجتماعی پایین همراه با احساس تنهایی است (Findlay and Cartwright, 2002: 45). بعضی از محققان تلاش می‌کنند دو جنبه انزوا را از هم تفکیک کنند. برای مثال "کاتان"^۲ و "وایت"^۳ (۱۹۹۹) و "هال"^۴ و "مایونز"^۵ (۱۹۹۹)، انزوای اجتماعی را به‌عنوان تعاملات عینی کم با دیگران تعریف می‌کنند.

1. Dwight Dean
2. Cattan
3. White
4. Hall
5. Havens

در حالی که انزوای عاطفی (یا تنهایی)، به عنوان احساس ناراضی درونی همراه با تعاملات اجتماعی کم تعریف می‌شود (Ibid: 119). "یورک"^۱ و "ویت"^۲ پیشنهاد دادند برای روشن شدن شرایط و تأثیرات انزوای اجتماعی باید بین انواع انزوا تفکیک قائل شد. بیشتر مطالعات انجام شده در مرد عواملی است که روی یکی از دو نوع انزوا تأثیر می‌گذارند: (۱) جدایی فیزیکی از دیگران (انزوای عینی) و (۲) احساس جدایی از دیگران (انزوای ذهنی). افرادی که در وضعیت انزوای عینی هستند شبکه‌های اجتماعی کوچک دارند، با اعضای شبکه تعامل کم دارند، و در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت کم دارند. از سوی دیگر، افرادی که به لحاظ عینی منزوی شده‌اند فاقد حمایت اجتماعی هستند، احساس تنهایی دارند و احساس می‌کنند به لحاظ عاطفی خیلی به خانواده و دوستان خود نزدیک نیستند. گرچه انزوای عینی و ذهنی وجوه اشتراکی باهم دارند، اما از یکدیگر متمایزند. در حالی که از نظر بعضی، انزوای عینی و ذهنی باهم مرتبط هستند، عده‌ای دیگر معتقدند که نبود تعاملات اجتماعی منجر به احساس تنهایی نمی‌شود. برعکس، ممکن است افرادی به لحاظ اجتماعی، فعال و در یک شبکه اجتماعی گسترده جاافتاده باشند، اما به لحاظ عاطفی به هم نزدیک نباشند یا روابط حمایتی نداشته باشند، این‌ها نیز احساس انزوا می‌کنند (York and Waite, 2009). در حالی که مفهوم انزوای اجتماعی به طور کلی به وضعیت فردی اشاره دارد، اما باید به این نکته توجه شود که این وضعیت به لحاظ اجتماعی تعیین یافته است. در واقع، انزوای اجتماعی در سه سطح رخ می‌دهد، در سطح فردی (خرد)^۳ در سطح انجمن‌ها (میان)^۴ و در سطح جامعه (سطح کلان)^۵ (Deli sle, 1999, Deli sle, 2005). انزوا در ۴ لایه رخ می‌دهد، بیرونی‌ترین لایه، اجتماع است که فرد احساس جدایی یا عدم پیوستگی نسبت به ساختارهای اجتماعی دارد. دوم، جدایی از سازمان‌ها و نهادهاست، لایه بعدی، جدایی از معتمدان (دوستان، خانواده و دیگر اشخاص مهم است. در آخر، جدایی فرد از خود است (Lin, 1986).

مراکز مذهبی

با توجه به وجود اعتقادات عمیق و ریشه‌دار مذهبی در میان ایرانیان، زیارتگاه‌ها و اماکن مذهبی در ایران وجود دارد که همواره مشتاقان بسیاری از سراسر ایران و افراد محلی به سمت آن‌ها به منظور عبادت و زیارت می‌شتابند. برخی از این زیارتگاه‌ها، دارای ارزش معنوی و مذهبی قابل توجهی برای مسلمانان هستند. به طوری که افراد زیادی به منظور زیارت آن‌ها به سوی این مکان‌ها روانه می‌شوند. در کشور ایران، اماکن زیارتی دیگری نیز وجود دارند مانند امامزاده صالح در تجریش و حرم شاه عبدالعظیم در شهرری که از نظر منطقه‌ای مورد توجه قرار می‌گیرند و به طور معمول زائران آن‌ها را افراد محلی تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، زیارت، از جمله اموری است که در رأس زندگی مردم ایران قرار دارد و به عنوان یک نیاز ضروری و درعین حال شرعی و مذهبی در زندگی مردم تلقی می‌شود. به طوری که بسیاری از ایرانیان به مناسبت‌های مختلف ملی و مذهبی به صورت فردی و یا همراه با خانواده به زیارت اماکن مذهبی می‌پردازند.

رابطه دین و انزوای اجتماعی

دورکیم دین را حقیقتی می‌دانست که دارای ویژگی خاص خود است. از نظر وی هیچ دین کاذبی وجود ندارد و همه‌ی ادیان به شیوه‌ی خودشان حقیقی‌اند و هر یک به شیوه‌های گوناگون به شرایط معین حیات انسانی واکنش نشان می‌دهند. این واکنش‌ها می‌توانند به صورت نمادهای دینی و تشریفات و مناسک مذهبی باشند.

1. York
2. Waite
3. Micro
4. Meso
5. Macro

وی بر آن بود که نشان دهد نمایش‌ها و نمادهای دینی توهم یا خیال‌پردازی صرف نیستند و هم - چنین جان‌نشین پدیده‌های دیگری مثل نیروهای طبیعی نمی‌شوند. دورکیم معتقد بود که نمایش‌های دینی جامعه را می‌سازند و در افکار افراد تأثیر می‌گذارند تا از محرک‌های فردی و خودمحمور جلوگیری کنند و فرد را به گونه‌ای تحت انضباط درمی‌آورند. او دین را از عوامل ایجاد انسجام اجتماعی و هدفمند کردن زندگی انسان‌ها و ابزاری برای ارتباط با افراد دیگر می‌داند که تعامل آن‌ها و تأیید هنجارهای اجتماعی را مهیا می‌سازد (دیلینی^۱، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

ماکس وبر در کتاب اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری معتقد است که «کوشش ما صرفاً در جهت روشن کردن نقشی است که نیروهای دینی در میان مجموعه‌ی کنش متقابل عوامل تاریخی متعدد، در شکل دادن به شبکه‌ی در حال توسعه‌ی فرهنگ جدید دقیقاً دنیوی خاص دوران ما داشته‌اند» (وبر، ۱۳۷۱، ۸۳). وبر دین را به صورت روابط انسان‌ها با نیروهای مافوق طبیعی در نظر می‌گیرد و معتقد است انسان‌ها برای برقراری چنین رابطه‌ای به دعا، قربانی و سایر عبادات می‌پردازند. در واقع آنان با توسل به دین و برقراری ارتباط با نیروهای مافوق طبیعت، در پی تحصیل معنا در مورد خود و جایگاه خود در جهان می‌باشند (موحد و حمیدی زاده، ۱۳۸۸: ۵۸)، در واقع، رهیافت وبر برجست و جوی معنا تأکید دارد. «این جست‌وجوی صرفاً عقلی نیست، بلکه عمیقاً ریشه در سرچشمه‌ای عاطفی دارد، که از میل یافتن استدلال الهی برای توجیه بخت نیک یا بد سرچشمه می‌گیرد و بر علائق آرمانی مبتنی است که با نوعی ادراک ارزش، حقانیت و جایگاه درست در نظام امور ارتباط دارند» (همیلتون^۲، ۱۳۸۹: ۲۴۷). نظریه‌ی استارک^۳ و بین بریج^۴، اساساً بر نظریه‌ی تبادل متکی است. نظریه‌های مبتنی بر این اصل که همه یا تقریباً همه‌ی کنش‌های متقابل بشری را می‌توان به صورت نوعی مبادله در نظر گرفت. استارک و بین بریج معتقدند که دین اساساً کوششی است برای برآوردن آرزوها و یا به دست آوردن پاداش‌ها. منظور از پاداش در اینجا هر چیزی است که انسان آرزویش را دارد و برای به دست آوردنش، حاضر است نوعی خسارت را تحمل کند. پاداش هم دربرگیرنده‌ی چیزهای بسیار ویژه و محدود است و هم شامل کلی‌ترین چیزها، مانند راه‌حل‌های مربوط به مسائل معنای غایی زندگی و حتی چیزها، شرایط یا حالت‌های غیرواقعی و غیر موجود، خسارت، به هر چیزی اطلاق می‌شود که انسان می‌کوشد از آن پرهیز کند. باید این مطلب مورد تأکید قرار گیرد که دین، با تبیین‌های فراطبیعی سروکار دارد (همیلتون، ۱۳۸۹، ۳۱۱-۳۰۹).

عبدالکریم سروش ایمان را مقدمه‌ای بر شناخت مذهبی می‌داند. وی معتقد است که ایمان آغازکننده‌ی طریق است و پس از آن و از این طریق است که شناخت مذهبی که از موضع تماشاچی هم نیست، حاصل می‌شود و امور و حوادث رنگ دیگری می‌خورند و در قالب‌های نوین یافته و عرضه می‌شود. در این شناخت، خدا و انسان محورهای اصلی هستند (سروش، ۱۳۵۹، ۴۴)، و درجایی به سه لایه‌ی دین‌داری که مورد نظر عرفاست اشاره می‌کند. این سه لایه عبارت‌اند از: حقیقت، طریقت و شریعت. او در این باب می‌گوید: «وقتی که دین به شما می‌گوید فلان عمل را انجام بدهید، این کار «شریعت» نام دارد، که اصطلاحاً آن را «پوسته‌ی دین» می‌نامیدند. آنگاه، وقتی که شما عمل می‌کنید، نام آن «طریقه» است. آنگاه شما در اثر آن علم و آن عمل به جایی می‌رسید و تازگی‌هایی در روح و در شخصیت شما حاصل می‌شود، که آن را «حقیقت» می‌گویند» (سروش و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۹۵).

مصطفی ملکیان معتقد است که «دین، نظام اندیشگی‌ای است که از جهان هستی و موضع انسان از جهان هستی ارانه می‌کند و علاوه بر آن بر اساس آن تفسیر، شیوه‌ی زندگی خصتی را توصیه می‌کند» (۱۳۸۷: ۲۷۵).

1. Tim Delaney
2. Malcom B. Hamilton
3. Rodney Stark
4. William Sims Bainbridge

وی بر این باور است که انسان زمانی که با حدود مرزهای وجودی خود روبرو می‌شود به دین رجوع می‌کند. دین این حدود مرزها را، در پاره‌ای موارد، از میان برمی‌دارد و در سایر موارد، قابل فهم و تحمل می‌کند و در هر وضعیتی به انسان کمک می‌کند تا درد و رنج کمتری احساس کند. ملکیان با پذیرش اقسام دین‌داری مری میداو^۱، متدینان را به دودسته تقسیم می‌کند: الف) «اهل شورونشاط»، که برون‌گرا و کنشگرند. اینان رسالت و مأموریت و وظیفه‌ی خود را این می‌دانند که فلک را سقف بشکافند و طرحی نو دراندازند و به وضع و عالم و آدم نظم و نظام دیگری ببخشند. ب) «همسایگان» که برون‌گرا و کنش پذیرند. اینان سعی دارند که مصداق خیرخواهی و محبت دینی باشند و خدمت از سر رحمت و شفقت به بندگان خدا سرلوحه‌ی زندگی‌شان است و به زبان حال می‌گویند: «عبادت به‌جز خدمت خلق نیست (ملکیان، ۱۳۸۷: ۲۳۷-۲۳۶).

روش تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی است و به لحاظ ماهیت روش از نوع پیمایشی است، و به لحاظ شیوه تحلیل داده‌ها، توصیفی تحلیلی و از نوع تطبیقی است؛ چراکه مقایسه‌ای بین دو نمونه موردی انجام می‌گیرد. جامعه آماری ساکنان محله‌های تجریش و شاه عبدالعظیم در مناطق ۱ و ۲۰ شهرداری تهران هستند. حجم نمونه در این تحقیق، برای منطقه ۱ و محله تجریش ۱۶۵ نفر و منطقه ۲۰ و محله شاه عبدالعظیم نیز؛ با قرار دادن تعداد خانوار محله در فرمول کوکران (۲۳۹۸۱) (۲۷۶۸۰) میزان ۱۶۵ نفر می‌باشد؛ که به کمک فرمول کوکران تعیین گردید.

نوع نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری تصادفی می‌باشد. اطلاعات از طریق پرسشنامه‌ای تنظیم شده با طیف لیکرت، جمع‌آوری گردید. ضریب پایایی برای تمام معیارهای بررسی نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای محلات شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی، بزرگ‌تر از ۰٫۶ است. پایایی کل میزان ۰٫۷۴۸ می‌باشد، که نشان می‌دهد پرسشنامه و شاخص‌های تحقیق از پایایی مناسبی برخوردارند (جدول شماره ۱). تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از طریق آمارهای توصیفی و استنباطی به صورت آزمون‌های تحلیل عاملی و رگرسیون و فریدمن با استفاده از نرم‌افزارهای Spss, Lisrel انجام شد.

جدول (۲): جدول پایایی معیارهای تحقیق

مؤلفه	شاخص	آلفای کرونباخ	آلفای کرونباخ کل	بعد
نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی در محله‌های تجریش و شاه عبدالعظیم	ساختاری	۰٫۶۷۴		
	شناختی	۰٫۷۷۹	۰٫۷۴۸	
	ارتباطی	۰٫۷۱۸		

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

پرسشنامه مذکور بین یک نمونه آماری تصادفی به تعداد ۲۵ نمونه در میان متخصصین شهرسازی و طراحی شهری توزیع گردید. اطلاعات و آمار توصیفی شامل ویژگی‌های فردی پاسخگویان در جدول شماره ۲ ارائه گردیده است.

جدول (۳): ویژگی‌های دموگرافیک

متغیر	ویژگی	محلّه تجریش	محلّه شاه عبدالعظیم
		درصد	درصد
جنسیت	مرد	۶۲٫۹	۵۵
	زن	۳۷٫۱	۴۵
سن	از ۲۰ الی ۲۹ سال	۳٫۹	۱۷
	از ۳۰ تا ۳۹ سال	۲۱٫۳	۴۸
	از ۴۰ تا ۴۹ سال	۴۸	۱۸
	از ۵۰ سال به بالا	۲۱	۱۳
محل تولد	دیپلم	۱۴	۱۲
	فوق دیپلم	۱۶	۱۳
	لیسانس	۸٫۴	۳۴
	فوق لیسانس	۳۰	۲۵
	دکتری و بالاتر	۳۱٫۶	۱۵
مدت اقامت	سایر	۴۲	۳۳
	تهران	۵۸	۶۷
	۲-۷ سال	۱۶٫۳	۳۳
مدت اقامت	۷-۱۲ سال	۶۳	۲۵
	۱۲ به بالا	۲۰٫۷	۴۲

یافته‌های استنباطی

تحلیل نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی در محله‌های تجریش و شاه عبدالعظیم از طریق معیارهای؛ (ساختاری، شناختی و ارتباطی) بررسی شدند (نمودار شماره ۱).

برای بررسی میزان تأثیر و نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای محله‌های شهری؛ پرسشنامه‌ای متشکل از شاخص‌های منتخب، بین ۳۷۰ نمونه (۱۶۵ نمونه از ساکنین تجریش و ۱۶۵ نمونه ساکنین شاه عبدالعظیم) توزیع شد. میزان تأثیر و اهمیت نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی با استفاده از آزمون‌های آماری پیرسون و نرم‌افزار SPSS مشخص شد. ابتدا با استفاده از آزمون فرض H_0 همگرایی درونی سؤالات پرسشنامه بررسی شد.

آزمون t تک نمونه‌ای برای آزمون فرض‌ها پیرامون میانگین یک جامعه استفاده می‌شود. در بیشتر پژوهش‌هایی که با مقیاس لیکرت انجام می‌شود جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش و ارتباط و پیوستگی درونی شاخص‌ها با هر یک از مؤلفه‌ها از این آزمون استفاده می‌شود. در ادامه به دلیل نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون فرض وجود یا عدم وجود ارتباط درونی بین مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش پرداخته خواهد شد.

فرض H_0 ارتباط درونی بین شاخص‌ها پژوهش با مؤلفه‌های متناظر با آن‌ها وجود ندارد.

فرض H_1 ارتباط درونی بین شاخص‌ها پژوهش با مؤلفه‌های متناظر با آن‌ها وجود دارد.

هر یک از مؤلفه‌ها طبق جدول شماره ۳ دارای شاخص‌های متناظر با تحلیل نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی می‌باشند.

جدول (۴): آزمون T

بعد	مؤلفه	محلّه	میانگین	آماره T	معنی‌داری	نتیجه فرض	آزمون
نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی	ساختاری	تجریش	۲,۹۱	۵۵,۱۷	۰,۰۰۰	رد فرض H_0	
		شاه عبدالعظیم	۲,۳۰	۵۳,۶۹	۰,۰۰۰	رد فرض H_0	
شناختی	شناختی	تجریش	۲,۹۲	۴۹,۹۸	۰,۰۰۰	رد فرض H_0	
		شاه عبدالعظیم	۲,۸۵	۶۱,۹۰	۰,۰۰۰	رد فرض H_0	
ارتباطی	ارتباطی	تجریش	۳,۰۱	۴۳,۲۰	۰,۰۰۰	رد فرض H_0	
		شاه عبدالعظیم	۲,۹۹	۴۵,۹۸	۰,۰۰۰	رد فرض H_0	

با استفاده از نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای فرض H_0 رد می‌شود و مشخص گردیده است که بین مؤلفه‌های تحقیق و شاخص‌های تشکیل دهنده آن‌ها همبستگی درونی وجود دارد.

آزمون تی دو نمونه‌ای بین دو محله‌ی تجریش و شاه عبدالعظیم در پژوهش حاضر ابتدا میانگین شاخص‌های نقش مراکز مذهبی بر کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری برای محلات تجریش و شاه عبدالعظیم از طریق پرسشنامه محاسبه گردید و ثبت شد. برای ارزیابی و مقایسه رابطه‌ی شاخص‌های یکسان در دو محله از آزمون T دوطرفه استفاده گردید تا مشخص شود تفاوت میانگین این دو محله معنادار است یا خیر. در این قسمت از تحلیل نیز با استفاده از آزمون فرض H_0 بار دیگر ارتباط هر یک از این شاخص‌ها با یکدیگر سنجیده شده و نتایج زیر به دست آمد.

جدول (۵): نتایج آزمون T دوطرفه

جفت	مؤلفه	آماره		اختلاف میانگین	اختلاف میانگین	معنی‌داری	تعداد	نتیجه آزمون
		میانگین	آماره T					
جفت کردن	نهادی	تجریش	۳,۰۱	۰,۷۹	۷,۵۹	۰,۰۰۰	۳۷۰	قبول H_0
		شاه عبدالعظیم	۲,۲۲					
جفت کردن	مشارکت	تجریش	۲,۸۸	۰,۷۷	۹,۲۴	۰,۰۰۰	۳۷۰	رد H_0
		شاه عبدالعظیم	۲,۱۱					
جفت کردن	ترکیب روابط	تجریش	۲,۸۵	۰,۱۸	۱,۲۴	۰,۰۰۰	۳۷۰	رد H_0
		شاه عبدالعظیم	۲,۶۷					
جفت کردن	همگونی اجتماعی	تجریش	۲,۷۶	۰,۳۴	۳,۸۶	۰,۰۰۰	۳۷۰	رد H_0
		شاه عبدالعظیم	۲,۴۲					
جفت کردن	روایات مشترک	تجریش	۱,۷۹	۰,۰۸	-۰,۶۱۵	۰,۰۰۰	۳۷۰	رد H_0
		شاه عبدالعظیم	۱,۷۱					
جفت کردن	صداقت	تجریش	۲,۵۴	-۰,۴۱	-۵,۲۳	۰,۰۰۰	۳۷۰	رد H_0
		شاه عبدالعظیم	۲,۹۵					

H_0 رد	۳۷۰	۰,۰۰۰	۶,۷۴	۰,۶۲	۳,۲۱ شاه عبدالعظیم	تجربش	دین داری	جفت کردن
H_0 رد	۳۷۰	۰,۰۰۰	-۰,۶۱۵	۰,۰۸	۲,۷۹ شاه عبدالعظیم	تجربش	اعتماد	جفت کردن
H_0 رد	۳۷۰	۰,۰۰۰	-۵,۲۳	-۰,۴۱	۳,۰۴ شاه عبدالعظیم	تجربش	الزامات و انتظارات	جفت کردن
H_0 رد	۳۷۰	۰,۰۰۰	۶,۷۴	۰,۶۲	۳,۲۱ شاه عبدالعظیم	تجربش	حضور پذیری	جفت کردن
H_0 رد	۳۷۰	۰,۰۰۰	-۰,۶۱۵	۰,۰۸	۳,۷۱ شاه عبدالعظیم	تجربش	هویت	جفت کردن

آزمون پیرسون

برای بررسی و سنجش میزان ارتباط مؤلفه‌های؛ دین داری، روایات مشترک، ترکیب روابط، همگونی اجتماعی، نهادی، الزامات و انتظارات، مشارکت، حضور پذیری، هویت، اعتماد، صداقت؛ بر نقش مراکز مذهبی بر کاهش انزوای محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی از آزمون پیرسون استفاده شده است.

بیشترین تأثیر و ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های ۱۱ گانه نقش مراکز مذهبی بر کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری به ترتیب زیر است:

مشارکت، حضور پذیری، هویت، اعتماد، صداقت، دین داری، روایات مشترک، ترکیب روابط، همگونی اجتماعی، نهادی، الزامات و انتظارات.

به طوری که با بهبود هر کدام از این مؤلفه‌ها سرمایه اجتماعی افزایش یافته و به تبع آن نیز کاهش انزوای اجتماعی در محلات شهری را خواهیم داشت. معناداری همبستگی این مؤلفه‌ها در سطح ۹۹ درصد تأیید می‌شود ($p < 0/01$).

جدول (۶): آزمون پیوستگی پیرسون برای بررسی پیوستگی مؤلفه‌های تحقیق

مؤلفه	میزان ضریب همبستگی
نهادی	۰,۴۴۶**
مشارکت	۰,۷۶۶**
ترکیب روابط	۰,۴۸۶**
همگونی اجتماعی	۰,۴۵۸**
روایات مشترک	۰,۵۱۸**
صداقت	۰,۵۵۶**
دین داری	۰,۵۳۷**
اعتماد	۰,۶۰۶**
الزامات و انتظارات	۰,۴۱۱**
حضور پذیری	۰,۷۵۸**
هویت	۰,۶۰۶**

**معناداری تا سطح ۹۹ درصد $p < 0.01$

*معناداری در سطح ۹۵ درصد $p < 0.05$

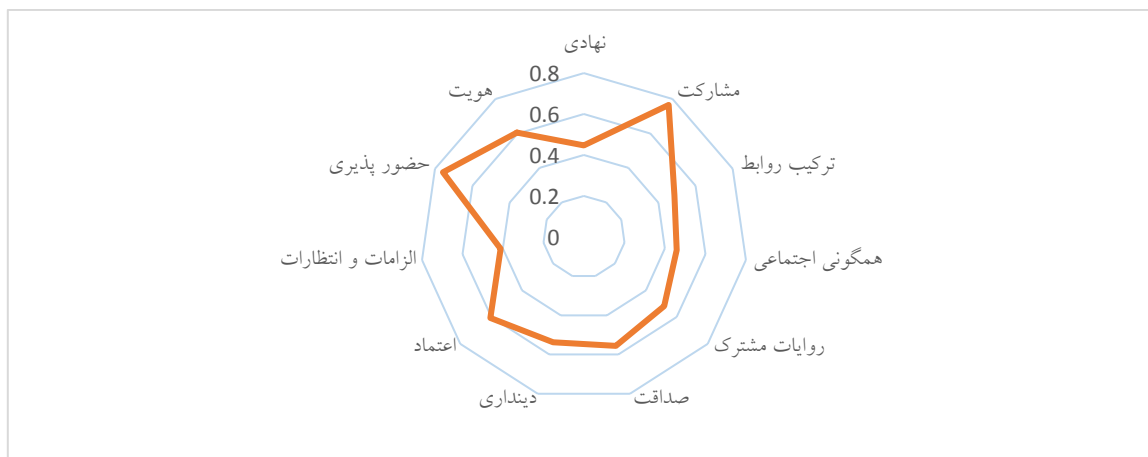
با توجه به نتایج آزمون پیرسون مؤلفه‌ی مشارکت از تأثیرگذارترین مؤلفه‌های نقش مراکز مذهبی بر کاهش انزوای محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی است.

آزمون رگرسیون

به‌طور کلی آنچه از طریق آزمون رگرسیون و نتایج آن درباره رابطه‌های نقش مراکز مذهبی بر کاهش انزوای محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی استنتاج می‌گردد؛ نشان‌دهنده‌ی اهمیت و نقش ۴۳ درصدی بین نقش مراکز مذهبی و کاهش انزوای محله‌های شهری است. این درجه از اهمیت و ارتباط مستقیم و مثبت بوده و تأثیر نسبتاً بالای مراکز مذهبی در محله‌های تجریش و شاه‌عبدالعظیم؛ از طریق مؤلفه‌های ذکرشده تحقیق (نهادی؛ مشارکت، ترکیب روابط، همگونی اجتماعی، روایات مشترک، صداقت، دین‌داری، اعتماد، الزامات و انتظارات، حضور پذیری، هویت) در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های تجریش و شاه‌عبدالعظیم است و از این میان نیز مؤلفه‌ی مشارکت بیشترین تأثیر را از نوع معنادار و مستقیم و مثبت در بین سایر عوامل، بر کاهش انزوای محله دارد.

جدول (۷): آزمون ضریب رگرسیون بین مؤلفه‌های نقش مراکز مذهبی بر کاهش انزوای محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی

متغیرهای پیش‌بینی	B	SE	Beta	T	P
مقدار ثابت	۱۲,۳	۰,۸	-	۱۵,۳۸	۰,۰۰۰
نهادی	۰,۴۵۲	۰,۹۳۹	۰,۴۴۶	۶,۴۸۱	۰,۰۰۵
مشارکت	۲,۱۳	۱,۸۴	۰,۷۶۶	۱۰,۸۶	۰,۰۰۶
ترکیب روابط	۰,۹۴	۱,۱۷	۰,۴۸۶	۷,۹۰۳	۰,۰۰۴
همگونی اجتماعی	۰,۰۶۷	۰,۰۰۳	۰,۴۵۸	۲۱,۰۳۹	۰,۰۱۰
روایات مشترک	۰,۰۷۹	۰,۰۶۱	۰,۵۱۸	۱۰,۹۸	۰,۰۰۲
صداقت	۰,۰۰۷	۰,۰۴۳	۰,۵۵۶	۲,۱۵۶	۰,۰۰۸
دین‌داری	۰,۰۵۹	۰,۰۳۵	۰,۵۳۷	۹,۹۸	۰,۰۰۱
اعتماد	۰,۰۲۵	۰,۰۸۶	۰,۶۰۶	۶,۲۸۵	۰,۰۰۰
الزامات و انتظارات	۰,۴۴	۱,۱۷	۰,۴۱۱	۲,۱۵۶	۰,۰۰۱
حضور پذیری	۰,۰۳۷	۰,۰۰۳	۰,۷۵۸	۹,۹۸	۰,۰۰۰
هویت	۰,۰۷۲	۰,۰۶۱	۰,۶۰۶	۶,۲۸۵	۰,۰۰۰
کاهش انزوای اجتماعی	ADJR2=۰,۴۳ R2=۰,۰۴۴ R=۰,۰۴۵				



نمودار (۱): آزمون ضریب رگرسیون بین مؤلفه‌های نقش مراکز مذهبی بر کاهش انزوای محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی

برای نمایان‌سازی رابطه علت و معلولی میان نقش کاربری‌های مذهبی بر کاهش انزوای اجتماعی با رویکرد سرمایه اجتماعی از مدل ساختاری استفاده گردید.

در مدل تحلیل مسیر که با استفاده از نرم‌افزار لیزرل انجام شده است، ابتدا متغیرهای مکنون و آشکار مشخص شده‌اند. منظور از متغیر پنهان یا مکنون^۱ متغیر پنهان متغیری است که به‌طور مستقیم مورد اندازه‌گیری قرار نمی‌گیرد، بلکه با استفاده از دو یا تعداد بیشتری از متغیرهای مشاهده‌شده در نقش معرف سنجش می‌شود. متغیر آشکار یا مشاهده‌شده^۲ متغیری است که در مدل اندازه‌گیری در نقش معرف قرار می‌گیرد.

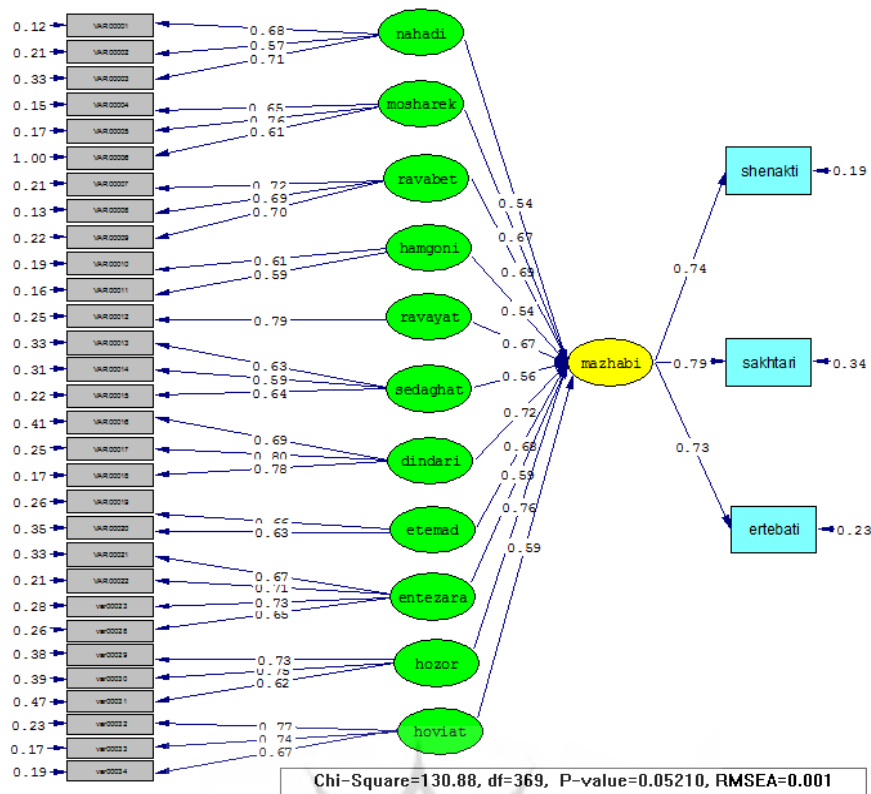
متغیرهای مکنون شامل متغیرهای مراکز مذهبی، مؤلفه‌ی شناختی، ساختاری و ارتباطی است. برای هر کدام از این متغیرهای مکنون چند تغییر معرف قرار داده می‌شود. متغیر مکنون ساختاری با متغیرهای نهادی، مشارکت و روابط سنجیده می‌شود. متغیر شناختی با متغیرهای قابل سنجش همگونی اجتماعی، حکایات و روایات مشترک، صداقت، دین‌داری در مدل قرار خواهد گرفت. متغیر ارتباطی نیز شامل متغیرهای قابل مشاهده اعتماد، الزامات و انتظارات، حضور پذیری و هویت است.

مرحله‌ی بعد برای انجام مدل در نظر گرفتن متغیرهای مستقل^۳ و وابسته^۴ است. متغیر مستقل، متغیری است که بر روی متغیر دیگر تأثیر می‌گذارد. متغیر وابسته نیز متغیری است که تغییرات آن وابسته به متغیر مستقل است. در این تحقیق متغیر مراکز مذهبی به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است تا اثر آن را بر روی متغیرهای وابسته (ساختاری، شناختی و ارتباطی) که از مؤلفه‌های انزوای اجتماعی هستند، سنجیده شود.

خروجی مدل ساختاری درستی این فرضیه را ثابت کرد. متغیر مراکز مذهبی بر کاهش انزوای اجتماعی محله‌های تجریش و شاه عبدالعظیم با رویکرد سرمایه اجتماعی اثرگذار است. برای تأیید برازش و درستی مدل آماره‌های مدل مورد بررسی قرار گرفت. مقدار آماره RMSEA برای نمودار فوق ۰,۰۰۱ است که زیر ۰,۰۵ درصد است و نیکویی برازش مدل را نشان می‌دهد. مقدار P نیز که ۰,۰۰۰ و مقدار کای اسکور را تأیید و معنادار تلقی می‌کند. بنابراین معناداری مدل را در سطح ۹۹ درصد تأیید می‌کند و برازش و نیکویی مدل نیز ثابت می‌شود.

همچنین با استفاده از مقادیر T در مدل زیر که قدر مطلق آن باید بالاتر از ۱,۹۶ باشد روابط بین نتیجه نهایی حاکی از تأثیر مستقیم مؤلفه‌های نقش مراکز مذهبی (ساختاری، ارتباطی و شناختی) بر کاهش انزوای محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی را نشان دهد.

1. Latent Variable
2. Observed variable
3. Independent variable
4. Dependent variable



نمودار (۲): مدل ساختاری (sem) تحقیق جهت نمایش درستی ارتباط میان مراکز مذهبی و کاهش انزوای اجتماعی با رویکرد سرمایه اجتماعی

نتیجه گیری

موضوع پژوهش حاضر، نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی است. با توجه به هدف و ویژگی‌های پژوهش موردنظر، جامعه آماری یا قلمرو پژوهش، مقایسه تطبیقی بین ساکنین محله‌های تجریش و شاه عبدالعظیم به تعداد ۳۷۰ نمونه می‌باشد.

دین، مؤلفه‌ای مهم از فرهنگ هر تمدن و هر ملتی محسوب می‌شود. جامعه دین‌دار همیشه در پی تقویت مؤلفه‌ای است که به آن، شکل و شمایل مذهبی می‌دهد. امامزادگان زیادی در ایران هستند، اما برخی از آن‌ها حالت و مرکز خاصی محسوب می‌شوند و می‌توان از وجود آن‌ها در شکل‌گیری و تداوم برخی نظریه‌های جامعه‌شناسی بهره برد و بعضی از آن‌ها به مانند شاه‌چراغ، شاه عبدالعظیم حسنی و امامزاده صالح، نقش بسیار مؤثری در زندگی جمعی مردم و هویت اجتماعی آنان داشته است.

آفرینش نماد در میان انسان‌ها خود به خلق فرهنگ و دگرگونی آن می‌انجامد. رهیافت به نماد از نظر کاسیرر، رهیافتی معرفتی است. چراکه امر فوق در جهان اندیشه و یا تصورات و تخیلات انسان ریشه دارد. ذهن و نبوغ بشری توانایی آن را دارد تا در سایه خرد و با دستمایه فرهنگی به کار بازتولید آفرینش‌های فرهنگی ادامه دهد. نمادهای مذهبی از دیگر نمادها متفاوت‌اند. نخست از آن جهت که هدف آن‌ها پیوستن به نظامی فراطبیعی است، اما نمی‌توان بر این امر اصرار کرد که نمادگرایی مذهبی، عمق اجتماعی کمتری دارد. در مطالعات کاسیرر، به این نکته نیز توجه زیادی شده است. می‌توان گفت روابط بین انسان و جهان فوق طبیعی تا حدود زیادی روابط شخصی متقابل هستند که با روابط اجتماعی وجه مشترک بسیار دارند. بدیهی است که نمادگرایی مذهبی از زمینه اجتماعی تغذیه می‌کند و بیانگر واقعیات اجتماعی است. به وسیله نمادگرایی مذهبی است که مؤمنین از غیر مؤمنین، کشیش از غیر کشیش و مکان‌های مقدس از غیر مکان‌های مقدس تمیز داده شوند. بدین‌سان حتی بافت جامعه را تقسیم می‌کنند و گروه‌بندی جدیدی را ایجاد می‌کنند. مرزها را مشخص و سلسله‌مراتب را تعیین می‌کنند. مذهب چه به وسیله لباس و یا مناسک، آیین‌های مذهبی و چه به وسیله مک‌آلهایی مانند کلیسا، مسجد، حرم و امامزاده، علائم نامرئی از نمادهایی تفکیک‌کننده هستند تا بهتر وحدت ببخشند. علاوه بر این‌ها زندگی مذهبی به خودی خود در تمام مراتب، فعالیت اجتماعی است. این نوع فعالیت‌ها، همبستگی

اجتماعی را تولید می‌کنند. حرم‌های امامزاده‌ها هم به سبب معماری و ساختمان‌های بزرگ که گاه از نظر ساخت‌وساز، خیره‌کننده و جذاب هستند، هم به لحاظ بافت جمعیتی که افراد و متعلقان به یک آیین و یک نوع طرز تفکر را دور خود جمع می‌کند و به لحاظ مقدس و آیینی بودن، نماد بسیار خوبی برای مذهب به شمار می‌رود. در بخش‌های مختلف پژوهش حاضر، به کارکردهای مختلف، موقعیت‌های مذهبی - اجتماعی - سیاسی - فرهنگی و اقتصادی و دیگر ویژگی‌های حرم‌ها باعث کاهش انزوای اجتماعی و تقویت سرمایه‌های اجتماعی در این محلات می‌شوند. در این پژوهش با بررسی نقش مراکز مذهبی در محله‌های تجریش و شاه عبدالعظیم، بر کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی نتایج زیر حاصل شد.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین مراکز مذهبی و کاهش انزوای اجتماعی شهروندان رابطه وجود دارد. با استفاده از نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای فرض H_0 مبنی بر نبود روابط درونی بین مؤلفه‌ها و شاخص‌های تحقیق رد می‌شود و مشخص شد که بین مؤلفه‌های تحقیق و شاخص‌های تشکیل‌دهنده آن‌ها همبستگی درونی وجود دارد.

نتایج تحقیق با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی بیان می‌کند که ۱۱ شاخص تحقیق و ۳ مؤلفه (ساختاری، شناختی و ارتباطی)؛ در نهایت نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی را منعکس می‌کند.

همچنین طبق نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون مشخص شد که مؤلفه‌های تحقیق؛ ۴۳ درصد واریانس کاهش انزوای اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند. و نشان‌دهنده تأثیر ۴۳ درصدی بین نقش مراکز مذهبی و کاهش انزوای محله‌های شهری است. این درجه از اهمیت و ارتباط مستقیم و مثبت بوده و تأثیر نسبتاً بالای مراکز مذهبی در محله‌های تجریش و شاه عبدالعظیم؛ از طریق مؤلفه‌های ذکر شده تحقیق (نهادی؛ مشارکت، ترکیب روابط، همگونی اجتماعی، روایات مشترک، صداقت، دین‌داری، اعتماد، الزامات و انتظارات، حضور پذیری، هویت) در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های تجریش و شاه عبدالعظیم است و از این میان نیز مؤلفه‌ی مشارکت بیشترین تأثیر را از نوع معنادار و مستقیم و مثبت در بین سایر عوامل، بر کاهش انزوای محله دارد.

در پایان با بررسی نتایج حاصل از بررسی گویه‌ها و مؤلفه‌ها و شاخص‌های نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی برای هر دو محله، میانگین کلی برای محله تجریش ۲،۹۱ و برای محله شاه عبدالعظیم ۲،۵۷ حاصل شد.

با بررسی شاخص ارتباطی نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی، میانگین محله‌ی تجریش ۳،۰۱ محله‌ی شاه عبدالعظیم ۲،۹۹ می‌باشد. هر دو محله از نظر وضعیت این شاخص در وضعیت مطلوب نزدیک به میانه نظری می‌باشد.

جدول (۸): نتایج تحلیل توصیفی شاخص کل نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی

شاخص آماری					نام محله	گویه	
انحراف معیار	مد	میانگین	میانگین	واریانس			
۷,۷۸	۲۵	۲۹	۲,۹۱	۶۰,۶۵	تجریش	ساختاری	مؤلفه
۵,۱۴	۱۹	۲۳	۲,۳۰	۲۶,۴۲	شاه عبدالعظیم		
۴,۶۸	۴۱	۳۸	۲,۹۳	۲۶,۵۴	تجریش	شناختی	
۷,۸۹	۳۰	۳۷	۲,۸۵	۱۷,۴۲	شاه عبدالعظیم		
۷,۹۰	۲۷	۲۹	۳,۰۱	۶۷,۵۶	تجریش	ارتباطی	
۶,۳۰	۱۸	۲۶	۲,۹۹	۴۵,۴۲	شاه عبدالعظیم		
۴,۶۸	۴۱	۳۸	۲,۹۵	۲۶,۵۴	تجریش	کل	
۷,۸۹	۳۰	۳۷	۲,۸۲	۱۷,۴۲	شاه عبدالعظیم		

با بررسی شاخص کل نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی، میانگین محله‌ی تجریش ۲,۹۵ محله‌ی شاه‌عبدالعظیم ۲,۸۲ می‌باشد. هر دو محله از نظر نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی در وضعیت نزدیک به میانه نظری می‌باشد و تأثیرگذاری مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی این دو محله مشهود است.

پیشنهادات

بالا بردن میزان دسترسی و نفوذپذیری در بافت محله‌ها و دسترسی آسان تر بر مراکز مذهبی. نورپردازی مناسب معابر در اطراف مراکز مذهبی
ایجاد شبکه‌ی دسترسی منظم طبق آیین‌نامه‌ی گذربنده‌ی
پیاده‌رو سازی و کف‌سازی‌های مناسب در مسیرهای منتهی به حرم امامزاده صالح و شاه‌عبدالعظیم.
استفاده از مصالح همگون در نماها و بدنه‌ها، ایجاد خط آسمان و ریتم مناسب در محدوده مراکز مذهبی
شاخص کردن عناصر واجد ارزش با ایجاد میدانها، فضای دسترسی مناسب، نظم بخشی به بدنه‌ها (مرمت)
استفاده از مبلمان متناسب در مسیرهای منتهی به مراکز مذهبی
شناسایی اجزاء و قطعات معضل دار در بافت اطراف مراکز مذهبی
تخریب و نوسازی بناهای اطراف این مراکز

سپاسگزاری

در پایان از اساتید بزرگوار و تمامی شرکت کنندگان در پرسشنامه و اجرای تحقیق، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

منابع

- اجتهادی، مصطفی (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی. مجله پژوهشنامه علوم انسانی. ۱۴ (۵۳)، ۱-۱۲.
- اختر محقق، مهدی (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی. تهران: مهدی اختر محقق.
- اصلائی، احسان؛ دهقان پور فراشاه، محمد حسین؛ هدایت، هما (۱۳۹۷). سنجش شاخص‌های سرمایه اجتماعی در محلات بافت تاریخی شهر یزد نمونه موردی محله پشت باغ. مجله مطالعات محیطی هفت حصار. ۷ (۲۵)، ۹۳-۱۰۵.
- افشانی، علیرضا؛ ندوشن، عباس؛ حیدری، محمد؛ نجف آبادی، محمد (۱۳۹۰). رابطه دینداری با سرمایه اجتماعی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. ۱۲ (۴۴)، ۲۸۴-۲۵۹.
- الوانی، سید مهدی؛ سید تقوی، میر علی (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها. مجله مطالعات مدیریت: بهبود و تحول، ۱۰ (۳۳) و ۳۴، ۴-۲۶.
- ترابی، محمد (۱۳۹۱). طراحی محله بر اساس تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضای باز عمومی در افزایش تعاملات و رفتار اجتماعی. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.
- حقیقتیان، منصور؛ اسماعیلی، رضا؛ کریمزاده اردکانی، سمیه (۱۳۹۴). محله محوری و احساس تعلق به محله در بین ساکنان شهر تهران. مطالعات جامعه‌شناختی شهری. ۵ (۱۴)، ۷۴-۵۳.
- خورشیدی، راضیه (۱۳۹۵). نقش ساختار کالبدی بر شکل‌گیری همبستگی اجتماعی. (پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی). دانشگاه آزاد اسلامی بیضا، فارس، ایران.

- زارع، بیژن؛ صادقی، علی اکبر؛ دلبری، سمانه (۱۳۹۴). بررسی تاثیر میزان و انواع دینداری بر همبستگی اجتماعی. نشریه جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران. ۴ (۱)، ۱۸۰-۱۴۵.
- شکیبایی بیدرونی، فاطمه؛ طیبیان، منوچهر (۱۳۹۶). سنجش تطبیقی اثرات فرم کالبدی محله‌های شهری بر سرمایه اجتماعی میان ساکنین مورد مطالعاتی: شهر قزوین. معماری و شهرسازی آرمانشهر. ۱۱ (۲۳)، ۳۰۶-۲۹۵.
- فوکویانا، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: جامعه ایرانیان.
- فیلد، جان (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی. تهران: انتشارات کوپر.
- قاسمی، یار محمد؛ رستمی، بتول (۱۳۹۳). بررسی رابطه به سرمایه اجتماعی و میزان توسعه مناطق شهر ایلام. فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. ۳ (۲۰)، ۱۵۳-۱۲۶.
- کلمن، جیمز (۲۰۰۱). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری. نشر نی: تهران.
- کسل، فیلیپ (۱۳۸۳). چکیده آثار گیدنز. ترجمه حسن چاووشیان. تهران: انتشارات ققنوس.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- مجنونی توتاخانه، علی؛ اسمعیلی سنگری، حسین (۱۴۰۰). بررسی جریان‌های سرمایه اجتماعی در بازارهای تاریخی برحسب مشاغل و فضاهای معماری مطالعه موردی: بازار تاریخی تبریز. هویت شهر. ۱۵ (۴۸)، ۱۲۰-۱۰۷. doi: 10.30495/hoviatshahr.2021.19369
- مهری، فائزه؛ داود پور، زهره (۱۳۹۷). بهره گیری از نظریه چیدمان فضا در کاهش انزوای اجتماعی فضایی محله‌های شهری. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۵۱ (۲)، ۳۵۷-۳۵۱.
- میرزایی، منیر؛ کرکه آبادی، زینب (۱۳۹۶). اسفند ماه. بررسی شاخص‌های حکمروایی شهری و سرمایه اجتماعی در شهرهای و ایران مطالعه موردی شهر پردیس. اولین همایش پژوهش‌های کاربردی در علوم جغرافیایی. سمنان.
- نوابخش، مهرداد؛ فیروز آبادی، آمنه (۱۳۹۱). انسجام اجتماعی شهری و عوامل مرتبط بر آن در شهر کرمانشاه. نشریه مطالعات جامعه شناسی شهری. ۲ (۵)، ۵۸-۳۳.

Dale, A. and Newman L. (2010), (SocialCapital: A Necessary and SufficientCondition for Sustainable CommunityDevelopment3? Community Development journal, 45 (1): pp. 5-21.

Hedayati Marzbali Masoume.Examining Social Cohesion and victimization in a Malaysian multiethnic neighborhood.International Journal of law.crime and justice42(2014) 385-405

Litman, T. (2012); Community Cohesion as a Transport Planning Objective; Victoria Transport Policy Institute, available at: HYPERLINK "http://www.vtpi.com/"www.vtpi.com.

TDM Encyclopedia (2012); Land Use Evaluation: Evaluating How Transportation Decisions Affect Land Use Patterns, and the Economic, Social and Environmental Impacts That Result; Victoria Transport Policy Institute, Updated 10 September 2012.pp.10-14

Wood, L., Giles-Corti, B. and Bulsara, M. (2012); Street Apart: Does Social Capital Vary with Neighbourhood Design? Hindawi Publishing Corporation: Urban Studies Research, Volume 2012, Article ID 507503.

Fukuyama, F. (1999). Social Capital and Civil Society. The Institute of Public Policy: George Mason University.

Fukuyama, F. (2006). The End of the Order, Social Capital. (Gh. Tavasoli, Ed. & Trans.) (2nd Ed.). Tehran: New Pen Stories (Original Work Published 2000).

Majedi, M., & Lahsayizadeh, A. (2006). Relationships between Contextual Variables, Social Capital and Satisfaction from Quality of Life: A Case Study in Rural Areas of Fars Province of Iran. Roosta and Towse, 9(4), 91-135.

Putnam, D. (2013). Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy. (M. Delforuz, Trans.). Tehran: Sociologists.

Seydaei, S. A., Shapoor Abadi, M. A., & Moein Abadi, H. (2009). A Preface to Social Capital and Its Relationship with the Components of Social Development in Iran. Development Strategies, (19), 188-225.

hullar, Bhruv. "How Social Isolation Is Killing Us". The New York Times. The New York Times. Retrieved January 26, 2017.

نحوه ارجاع به مقاله:

قهرمانی، محمدعلی؛ امینی، الهام (۱۴۰۱). بررسی نقش مراکز مذهبی در کاهش انزوای اجتماعی محله‌های شهری با رویکرد سرمایه اجتماعی، نمونه موردی: (محله تجریش و محله شاه عبدالعظیم تهران)، جغرافیا و مطالعات محیطی ۱۱ (۴۳)، ۷۴-۹۳، Dor: 20.1001.1.20087845.1401.11.43.5.6

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

